



بررسی و اولویت بندی هوش اخلاقی

فریبا کلانتر زاده

کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه پیام نور، مرکز قم

چکیده

هوش اخلاقی توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنهاست. هوش اخلاقی مرز بین نوع دوستی و خودپرستی را توصیف می کند و توجه به هوش اخلاقی یک ایده آسمانی است که الهام بخش رفتارهای افراد است. هوش اخلاقی یکی از ابعاد هوش است که می تواند چهارچوبی را برای عملکرد صحیح انسان ها فراهم آورد و به عنوان یک عامل پیش بینی کننده رفتار محسوب می شود. به دلیل آن که هوش اخلاقی، اشکال دیگر هوش را به انجام کارهای ارزشمند هدایت می کند. این هوش شامل ترکیبی از دانش، تمایل و اراده است و همچنین شامل روشی است که ما فکر می کنیم، احساس می کنیم و عمل می کنیم. در مقاله حاضر پس از

مقدمه

اخلاق یک واژه عربی است که مفرد آن خُلُق یا خُلُق است، خُلُق یا خُلُق در لغت به معنای سجه و یک صفت نفسانی است که در نفس انسان رسوخ داشته و موجب صور افعالی متناسب با آن صفت می شود. در لسان العرب، اقرب الموار و صحاح خلق به معنای سجه آمده است [۱]؛ [۲]؛ [۳]. راغب در مفردات می گوید خُلُق و خُلُق در اصل یکی هستند ولی خُلُق به کیفیات و صورت هایی که با چشم دیده می شود اختصاص دارد اما خُلُق ویژه نیروها و سجایایی است که با بصیرت فهمیده می شوند [۴].

اما اخلاق در اصطلاح دانشمندان اخلاق معانی و کاربردهای مختلفی دارد. علامه مجلسی در تعریف اخلاق می گوید: اخلاق ملکه ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می شود برخی از این ملکات فطری و ذاتی هستند و پاره ای از آنها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس بدست می آیند [۵]. فیض کاشانی نیز اخلاق را چنین تعریف می کند: اخلاق هیئتی است استوار و راسخ در جان که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه آن صادر می شود. اگر این هیئت به گونه ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از نظر عقل و شرع از آن صادر شود آن را اخلاق نیک می نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر شود آن را اخلاق بد می نامند [۶]. علامه طباطبایی نیز چنین می فرماید: اخلاق عبارتست از صورت ادراکی که در درون انسان جایگیر شده و در موقع مناسب، درون انسان جلوه کرده و او را به اداره و عمل وا می دارد [۷]؛ [۸].

مقدمه ای در مورد هوش جدیدترین مفاهیم مطرح شده در این حوزه یعنی هوش اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در سال های اخیر مفهوم هوش تنها به عنوان یک توانایی شناختی در نظر گرفته نمی شود، بلکه به حوزه های دیگری مانند هوش اجتماعی، هوش طبیعی، هوش انتزاعی، هوش مکانیکی، هوش کلامی و غیر کلامی و هوش اخلاقی گسترش یافته است. سپس چهارچوب نظری هوش اخلاقی و تعاریف آن مطرح و رابطه هوش اخلاقی با اخلاق و فضیلت گرای اخلاقی مورد بحث قرار گرفت.

واژه های کلیدی: هوش، هوش اخلاقی، فضیلت

هوش اخلاقی

هوش اخلاقی که به آن هوش قضاوت اخلاقی یا هوش استدلال اخلاقی نیز می گویند، بیشتر توسط کلبه و پیازه مورد مطالعه قرار گرفته است [۹].

از دیدگاه پیازه رشد اخلاقی کودکان (افراد) دارای سه سطح و هر سطح دارای دو مرحله است. این سه سطح به ترتیب عبارتند از:

- ۱- سطح اخلاق پیش قراردادی
- ۲- سطح اخلاق قراردادی
- ۳- سطح اخلاق قراردادی (همان)

از نظر بوربا هوش اخلاقی ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاق قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می کند [۱۰]. این عبارت به معنای برخوردار بودن از عقاید اخلاقی راسخ و قوی و عمل کردن به آنها است، به گونه ای که فرد به شیوه ای صحیح و محترمانه رفتار کند. اگر هوش را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم آنگاه اخلاق ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد. از این رو هوش اخلاقی می تواند گستره و ژرفای توانمندی های فکری و عاطفی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان ساخته و نیکی و نیک خلقی را پدید آورد.

از امیر مؤمنان علی (ع) نقل است که فرمود: «الحلم تمام العقل» تمامیت خردورزی در بردباری استدر واقع غایت عقلانیت و هوشمندی، دست یافتن به فضیلت بردباری و نیک خویی است و عصاره همه خوبیها و ارزشهای والا در «خویشتن بانی» و «خویشتنداری» نهفته است [۱۱]. دو نیز در جایی دیگر می فرماید: بردباری پرده ای پوشاننده و عقل